



### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ ﴿ ۲ ﴾ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ﴿ ۳ ﴾ كَلَّا سَوْفَ  
تَعْلَمُونَ ﴿ ۴ ﴾ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿ ۵ ﴾ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ  
الْيَقِينِ ﴿ ۶ ﴾ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ﴿ ۷ ﴾ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ  
﴿ ۸ ﴾ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ

(۱) فزون طلبی (و تفاخر) شما را سرگرم کرد. (۲) تا آنجا که به زیارت  
مقبره‌ها رفتید. (۳) چنین نیست (که می‌پندارید) به زودی خواهید فهمید.  
(۴) باز چنین نیست (که می‌پندارید)، در آینده خواهید دانست. (۵) چنین  
نیست (که می‌پندارید)، اگر شما (به آخرت) علم یقینی داشتید. (۶) قطعاً  
دوزخ را می‌دیدید. (۷) سپس آن را با عین یقین می‌دیدید. (۸) سپس در آن  
روز از نعمت‌ها سؤال خواهید شد.

#### نکته‌ها:

□ «تکاثر» از «کثرت» به معنای فزون طلبی و فخرفروشی به دیگران به واسطه کثرت اموال  
و اولاد است.

## جلوه‌های تکاثر

تکاثر در شرک و چند خدایی. ﴿أَرِيَابٌ مَّتَفَرِّقُونَ خَيْرًا أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾<sup>(۱)</sup> (حضرت یوسف به هم زندانی‌های خود که مشرک بودند، گفت: آیا ارباب متفرق بهتر است یا خداوند یکتای قهار؟)

تکاثر در غذا. بنی اسرائیل می‌گفتند: ما بر یک نوع غذا صبر نداریم ﴿لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ﴾ ما خوردنی‌های دیگر همچون پیاز و سیر و عدس و خیار می‌خواهیم. ﴿قَتَائِبُهَا وَفُومُهَا وَعَدْسُهَا وَبَصْلُهَا﴾<sup>(۲)</sup>

تکاثر در عمر. چنان که بعضی دوست دارند هزار سال عمر کنند. ﴿يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يَعْمُرَ الْفَسَّنَةَ﴾<sup>(۳)</sup>

تکاثر در مال. قرآن می‌فرماید: برخی افراد به دنبال جمع مال و شمارش آن هستند. ﴿الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ﴾<sup>(۴)</sup>

تکاثر در مسکن. قرآن در مقام سرزنش بعضی می‌فرماید: در دامنه هر کوهی ساختمان‌های بلند بنا می‌کنید. ﴿أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ﴾<sup>(۵)</sup>

تکاثر در شهوت. اسلام برای مسئله جنسی، راه ازدواج را تجویز کرده و بهره‌گیری از همسر را بدون ملامت شمرده: ﴿إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ غَيْرِ مَلُومِينَ﴾<sup>(۶)</sup> و ارضای شهوت از غیر راه ازدواج را تجاوز دانسته است. ﴿فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَاُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ﴾<sup>(۷)</sup>

□ «الهاکم» از «لهو» به معنای سرگرم شدن به امور جزئی و ناچیز است که انسان را از اهداف بلند باز دارد.

□ «زُرتم» از زیارت و «مقابر» جمع مقبره است.

□ میان دو قبیله بر سر تعداد نفرات گفتگو شد، تصمیم گرفتند سرشماری کنند بعد از زنده‌ها

۱. یوسف، ۲۹. ۲. بقره، ۶۱. ۳. بقره، ۹۶.  
 ۴. همزه، ۲. ۵. شعراء، ۱۲۸. ۶. مؤمنون، ۶.  
 ۷. مؤمنون، ۷.

به قبرستان رفتند تا آمار مردگان را نیز به حساب آورند.

□ حضرت علی علیه السلام در خطبه ۲۲۱ نهج البلاغه، بعد از تلاوت این سوره مطالبی دارند که ابن ابی الحدید در شرح آن می‌گوید: در طول پنجاه سال، بیش از هزار بار این خطبه را خوانده‌ام و عظمت این خطبه به قدری است که سزاوار است بهترین گویندگان عرب جمع شوند و این خطبه برایشان تلاوت شود و همه به سجده افتند، همانگونه که هنگام تلاوت بعضی از آیات قرآن، همه به سجده می‌افتند.<sup>(۱)</sup> ما دو جمله از آن خطبه را در اینجا بازگو می‌کنیم:

«ابائهم یفخرون» آیا به مقبره پدرانشان افتخار می‌کنند؟

«ام بعدید الهلکی یتکاثرون» یا به تعداد معدومین فزون طلبی می‌کنند؟

«اجساد خرت و حرکات سکنت» آنان جسدهایی بودند که متلاشی شدند و متحرک‌هایی بودند که ساکن شدند.

«و لئن یکونوا عبراً احق من ان یکونا مفتخراً» آن جسدها سزاوارترند که سبب عبرت شوند تا مایه افتخار.

□ از حضرت علی علیه السلام حدیثی نقل شده که فرمودند: اولین «سوف تعلمون» مربوط به عذاب قبر است و دومی مربوط به عذاب آخرت.<sup>(۲)</sup>

□ یقین، باور قلبی است که عمیق‌تر از دانستن است. مثلاً همه مردم می‌دانند که مرده کاری به کسی ندارد ولی حاضر نیستند در کنار مرده بخوابند، ولی مرده‌شور در کنار مرده به راحتی می‌خوابد، زیرا مردم فقط می‌دانند ولی مرده‌شور باور کرده و به یقین رسیده است. راه بدست آوردن یقین عمل به دستورات الهی است، همانگونه که مرده‌شور در اثر تکرار عمل به این باور رسیده است.

□ بر اساس روایات، نشانه یقین، توکل بر خداوند و تسلیم او شدن و راضی بودن به مقدرات او و واگذاری امور به اوست.<sup>(۳)</sup>

□ یقین درجاتی دارد که دو مرحله‌اش در این سوره آمده و مرحله دیگرش در آیه ۹۵ سوره

۱. شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۱۵۳.

۲. تفسیر کبیر فخررازی.

۳. بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۱۳۸.

واقعه آمده است. مراحل یقین عبارتند از: علم یقین، حق یقین و عین یقین. انسان، گاهی از دیدن دود پی به آتش می‌برد که این علم یقین است، گاهی خود آتش را می‌بیند که عین یقین است و گاهی دستی بر آتش می‌نهد و سوزندگی آن را احساس می‌کند که حق یقین است.

□ مراد از دیدن آتش در «لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ»، یا دیدن آن در قیامت است و یا دیدن آن با چشم برزخی و مکاشفه در همین دنیا که این معنا با یقین سازگارتر است.

□ بر اساس احادیث، مراد از نعمتی که در قیامت مورد سوال قرار می‌گیرد، آب و نان نیست، که بر خداوند قبیح است از این امور سؤال کند. بلکه مراد نعمت ولایت و رهبری معصوم است<sup>(۱)</sup> امام رضا علیه السلام فرمود: سؤال از آب و نان و... از مردم قبیح است تا چه رسد به خداوند، بنابراین مراد از سؤال از نعمت، همان نعمت رهبری معصوم است.<sup>(۲)</sup>

□ تکاثر تنها در آمار و نفقات جمعیت نیست، بلکه گاهی در ثروت و فرزند است. «و تکاثر فی الاموال و الاولاد»<sup>(۳)</sup> و لذا در قرآن سفارش شده که مال و فرزند شما را سرگرم نکنند. «لَا تَلْهَكُمُ اَمْوَالُكُمْ وَاَوْلَادُكُمْ»<sup>(۴)</sup>

□ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دنبال تلاوت این سوره فرمودند: «تکاثر الاموال جمعها من غیر حقها و منعها من حقها و سدّها فی الاوعیه»<sup>(۵)</sup> گردآوری اموال از راه نامشروع و نپرداختن حقوق واجب آنها و نگهداری آنها در صندوق‌ها تکاثر است.

□ در شعری منسوب به حضرت علی علیه السلام آمده است:

یا من بدنیاه اشتغل	قد غرّه طول الامل
الموت یأتی بغتة	والقبر صندوق العمل

۱. تفسیر نور الثقلین.

۲. عیون الاخبار، ج ۲، ص ۱۲۹.

۳. حدید، ۲۰.

۴. منافقون، ۹.

۵. تفسیر نور الثقلین.

## پیام‌ها:

- ۱- فزون طلبی و فخر فروشی انسان را به کارهای بیهوده و عبث می‌کشاند. ﴿الهاکم التکاثر﴾
- ۲- فزون طلبی، عامل غفلت از حساب قیامت است. ﴿الهاکم التکاثر - لتسئلنّ یومئذ عن النعم﴾
- ۳- دامنه فزون طلبی تا شمارش مردگان پیش می‌رود. ﴿حق زرم المقابر﴾
- ۴- بی‌خبری از احوال قیامت، انسان را به انحراف می‌کشاند. ﴿الهاکم التکاثر... کلاً لو تعلمون﴾
- ۵- در برابر افکار و رفتار انحرافی باید هشدار را تکرار کرد. ﴿کلاً - ثمّ کلاً - کلاً﴾
- ۶- از طریق ایمان و یقین انسان می‌تواند آینده را ببیند. ﴿لو تعلمون علم الیقین لترونّ المجیم﴾
- ۷- در فرهنگ جاهلی، کمیّت و جمعیت، تا آنجا ارزش دارد که حتی مردگان را در شمارش به حساب می‌آورند. ﴿حق زرم المقابر﴾
- ۸- تکاثر و تفاخر، کیفر سختی دارد. ﴿الهاکم التکاثر... لترونّ المجیم﴾
- ۹- عاقبت اندیشی مانع فخر فروشی است. ﴿کلاً سوف تعلمون...﴾
- ۱۰- باید برای رسیدن به یقین و شناخت حقایق تلاش کرد تا از خطرات قیامت درامان بود. ﴿لو تعلمون علم الیقین لترونّ المجیم﴾
- ۱۱- کسانی که به دنیا سرگرم هستند، هرگز به درجه یقین نمی‌رسند. ﴿لو تعلمون علم الیقین﴾ (کلمه لو در موارد نشدنی بکار می‌رود).
- ۱۲- ایمان و یقین، درجاتی دارد. ﴿علم الیقین... عین الیقین﴾
- ۱۳- حساب قیامت بر اساس امکاناتی است که خداوند به هر کس داده است و لذا هر کس متفاوت از دیگری است. ﴿لتسئلنّ یومئذ عن النعم﴾

«والحمد لله ربّ العالمین»